مطالبی در باره " حقوق شهروندی " و
" ارزشها " و " بار سیاسی " عناصر تشکیل دهنده " نظام دمکراسی "

در باره نظرات و عقاید آقایان سید محمد خاتمی
و دکتر ابراهیم یزدی و نقد " نظام مردم سالاری دینی " !

(۱)

برداشت ما سوسیالیستهای ایران از ارزش های تشکیل دهنده " نظام دمکراسی " و "مردم سالاری" با برداشت آن بخش از عناصر و نیروهای سیاسی ایران از جمله آقای سید محمد خاتمی که اعتقاد به " مردم سالاری دینی " دارند و یا شخصیت های سیاسی همچون آقای دکتر ابراهیم یزدی که بدون توجه به ارزشهای تشکیل دهنده نظام دمکراسی ، با طرح نظراتی همچون " در جامعه ای که ۹۷ درصد آن مسلمان ومؤمن می باشند ، اعتقاد و باورمردمان در قانون اساسی تبلور پیدا خواهد کرد" ، و یا " دمکراسی دینی و غیر دینی ندارد " امر " جدائی مذهب از دولت و حکومت " را بزیر سئوال می برند ، متفاوت می باشد.

من در این نوشته قصد دارم مطالبی چند در نقد بخشی از گفتار آقای سید محمد خاتمی ، رئیس جمهور که در دیدار مشترک دولت و مجلس در محل ریاست جمهوری (مردادماه ۱۳۸۲) در دفاع از " مردم سالاری دینی " ایراد نموده اند و همچنین تحلیل اخیر آقای دکتر ابراهیم یزدی دبیر کل نهضت آزادی ایران ، تحت عنوان " دمکراسی فرایندی اجتناب نا پذیر و رو به رشد در ایران و جهان " و مصاحبه ایشان با هفته نامه گوناگون (مرداد ۱۳۸۲) بنگارش در آورم .اما برای اینکه تمام جوانب موضوع مورد بحث برای خواننده این سطور روشن باشد که مسائل مورد اختلاف من با نظرات و عقاید مطرح شده از سوی این هموطنان محترم (خاتمی و دکتر یزدی) دررابطه با نظام دمکراسی و مردم سالاری بر محور کدام یک از مسائل نظری و عقیدتی و ارزش ها دورمی زند ، ضروری دانستم قبل از شروع بحث ، برداشت خود را از مقوله " حقوق شهروندی " در یک " نظام دمکراسی و مردم سالار " توضیح دهم و به " ارزش ها " و " بار سیاسی" عناصری که در شکل گرفتن "نظام دمکراسی و مردم سالاری " نقش محوری بعهده دارند اشاره کنم ، زیرا بنظر ما سوسیالیستهای مصدقی ، بدون توجه و محترم شمردن این " حقوق " و " ارزش " ها غیر ممکن خواهد بود، یک نظام دمکراسی و مردم سالار در ایران و یا نقطه دیگری از جهان بتوان بنا نهاد.

حقوق شهروندی و نظام دمکراسی

" حقوق شهروندی " به یکی از ستون های اصلی و محوری " نظام دمکراسی " تبدیل شده است که با گذشت زمان بصورت حقوقی جهانشمول در آمده است.در قانون اساسی جوامع دمکراتیک از این حقوق ، تحت عنوان " حقوق اساسی " نام برده شده است.

در قانون اساسی مشروطیت و همچنین قانون اساسی جمهوری اسلامی ، بخشی از این " حقوق " جهانشمول ــ البته در بسیاری موارد بطور ناقص ــ ، بنام "حقوق مردم ایران " و یا " حقوق ملت ایران" برسمیت شناخته شده است. اما هیچگاه این " حقوق " مورد توجه و احترام حاکمین ایران قرار نگرفتند و در حقیقت مردم ایران نتوانستند در دوران سلطنت پادشاهان قاجار و پادشاهان پهلوی و همچنین در دوران رژیم جمهوری اسلامی بطور کامل از این حقوق قانونی بهرمند شوند!
مبارزه اکثریت بزرگی از مردم ایران علیه رژیم شاه و هم اکنون علیه رژیم ولایت فقیه بیشتر در رابطه با قانون شکنی وبی توجهی شاه،رهبر انقلاب ومقام رهبری به اصول قانون اساسی بود وهست!

در اینجا باید خاطر نشان کرد ، در جوامعیکه امروز نظام مردم سالاری حاکم است ، "حقوق شهروندی" به سادگی بدست نیامده است. بلکه این " حقوق " ، دست آورد و نتیجه چندین قرن روشنگری و مبارزه نظری و افشاگری علیه ماهیت ارتجاعی و سرکوبگر حاکمین و پادشاهان مستبد و رهبران مذهبی و نهاد کلیسا بوده است .
رهبران مذهبی کلیسای کاتولیک تا چند قرن قبل در اروپا ــ همچون امروز درایران ــ ، از طرفی "حاکمیت مطلق" را از آن خدا می دانستند و از طرف دیگر خود را نمایندگان خدا بر کره خاکی فرض می کردند و از این طریق با حمایت خود از حکومت استبدادی پادشاهان برای "حکومت استبدادی " مشروعیت الهی قائل می شدند و دست به تحمیق مردم می زدند!

حقوق شهروندی در جوامعیکه " نظام مردم سالاری " حاکم است ، عبارتند از :

۱ ــ حق برحیات و بر خورداری از حرمت و حیثیت انسانی ،

۲ ــ حق بهرمند شدن ازتعلیم و تربیت و آموزش ،

۳ ــ حق برخوردار شدن از محل کار و شغل و حرفه ای که مناسب با سطح و درجه تحصیلات و آموزش هر شهروند باشد ،

۴ ــ حق داشتن مسکن مبتنی بر حرمت و حیثیت انسانی،

۵ ــ حق مصون بودن خانه و محل سکونت از تعرض و تجاوزات برخلاف قانون ،

۶ ــ حق استفاده ازبیمه بیماری ، بیکاری و بازنشتگی و تضمین امنیت اقتصادی در هنگام کهولت و معلولیت ،

۷ ــ حق برخورداری از آزادی بیان ، قلم ،عقیده ، ایمان و وجدان و مصون بودن از هر نوع تجاوز و تعرض و پیگرد ،

۸ ــ حق برخورداری از اجرای آئین و مراسم مذهبی و مصون بودن از هرگونه تعرض و پیگرد،

۹ ــ حق مطلع گردیدن و آگاه شدن از تمام اخبار و رویدادهای سیاسی ، اجتماعی جهان و آشنا شدن با تمام دست آوردهای فرهنگی ، هنری ، علمی ... بشریت ،

۱۰ ـ حق مخالفت با هر نوع قیمومیت ، از جمله قیمومیتی که بر پایه و مبنای نظرات و عقاید ایدئولوژیک ، دینی و یا سیاسی باشد ،

۱۱ــ حق حاکمیت بر سرنوشت خویش . این حق تحت هیچ عنوان و بر پایه هیچ قانون ویا فرمان و حکم سیاسی و یا فتوای مذهبی نمی تواند و نباید خدشه دار و یا پایمال شود،

۱۲ ــ حق شرکت در مبارزات انتخاباتی ، معرفی لیست نامزدهای انتخاباتی و تبلیغ بنفع کاندیدای مورد نظر خود و یا برخوردار بودن از حق عدم شرکت در انتخابات و حتی تحریم آن،

۱۳ــ حق فعالیت در حزب ، سازمان و جبهه سیاسی ، انجمن فرهنگی ، سازمان صنفی و یا تشکیلات سندیکائی مورد نظر و یا تأسیس تشکیلات صنفی و یا سِاسی جدید،

۱۴ــ حق بر پا کردن و یا شرکت جستن در اجتماعات و جلسات سخنرانی سیاسی ، مذهبی ، فرهنگی و هنری ، و حق شرکت آزادانه در بحث و گفتگو در رابطه با تمام مسائل سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی ، اقتصادی و امور بین المللی و حق رقابت نظری و عقیدتی با گروه ها ، سازمانها ، احزاب و شخصیت های تشکیل دهنده دولت و دیگر نیروهای رقیب سیاسی و دگر اندیش موجود در جامعه ... و مصون بودن از هرگونه تعرض ، تهدید و تجاوز و سرکوب .

۱۵ــ حق بر پا کردن تظاهرات و دست زدن به تحصن و اعتصاب در رابطه با مطالبات اقتصادی و مسائل اجتماعی واعتراض به سیاست ،عملکرد و برنامه های دولت ،

۱۶ــ حق محاکمه و دفاع در دادگاه صلاحیت دار بر پایه قوانین مدنی در صورت اتهام به ارتکاب جرم ،

و ...

" ارزشها " و " بار سیاسی " عناصری که
نظام دمکراسی و مردمسالاری را بنیاد نهاده اند ،عبارتند از :

۱ ــ قوای قانون گذاری (مجلس) ،اجرائی(دولت) و قضائی مستقل از یکدیگر می باشند و هر یک از آنها موظفند در چارچوب قانون اساسی و قوانین موجود عمل کنند .

۲ ــ رئیس دولت بطور مستقیم و یا غیر مستقیم منتخب ملت و یا نمایندگان ملت می باشد.
هیئت دولت در رابطه با سیاست و عملکرد خود در مقابل نمایندگان ملت در مجلس ملی پاسخگو می باشد.

۳ ــ نمایندگان اپوزیسیون در انتقاد به سیاست ، برنامه و عملکرد دولت کاملا آزاد می باشند و هیچ مقام و نهادی اجازه ندارد مزاحمتی در این مورد بوجود آورد.
نیروهای اپوزیسیون و مخالف دولت در طرح ، تبلیغ و ترویج نظرات و عقاید و افکار و برنامه سیاسی خود کاملا آزاد می باشند .

۴ ــ در جوامعیکه نظام دمکراسی حاکم است ، طبق قانون ، رئیس دولت (رئیس جمهور و یا نخست وزیر و یا صدراعظم...) تعیین کننده سیاست کلی دولت می باشد . اما در این مورد مشخص ما بین "نظام دمکراسی " و " نظام استبداد ی " تفاوت کلی وجود دارد . برعکس نظام استبدادی که حاکم مستبد بتنهائی تعیین کننده مطلق سیاست کلی دولت می باشد و در مقابل هیچ ارگانی پاسخگو نیست ، در نظام دمکراسی صرفنظر از اینکه آن سیاست باید در هیئت دولت مطرح شود و مورد تائید وزرای کابینه قرار گیرد، نمایندگان ملت در مجلس قانونگذاری باید آنرا مورد تصویب وتائید قرار دهند.

۵ ــ امر قانونگذاری فقط از وظایف مجلس قانونگذاری (قوه مقننه) می باشد . لوایح تصویب شده از سوی مجلس قانونگذاری نباید در مغایرت با اصول قانون اساسی باشند.

۶ ــ همه افراد جامعه صرفنظر از جنسیت (زن و مرد) ، نژاد ، قومیّت ، مذهب ، شغل ، مقام ، ثروت در مقابل قانون برابرند.هیچ مقام و یا ارگان و نهادی و یا قومی از حقوق فراقانونی و یا حقوق ویژه نمی تواند برخوردار شود.

۷ ــ زنان و مردان در تمام امور ، حقوقی متساوی دارند.

۸ ــ قبول اصل " فردیت " و محترم شمردن حقوق یک یک شهروندان صرفنظر از جنسیت (زن و یا مرد)، مذهب ، قومیّت ، شغل ، مقام و ثروت ، یکی از اصول محوری و اساسی نظام دمکراسی می باشد.

درجوامعیکه در رابطه با چگونگی تعیین چارچوب و حدود حقوق شهروندان ، "اصل فردیت " بعنوان "معیار " سنجش برسمیت شناخته نشده باشد تا تمام شهروندان جامعه از آن طریق بتوانند در مقابل قانون ازحقوق مساوی و برابر برخوردار شوند ، نظام دمکراسی و مردم سالار بر آن جوامع نمی تواند حاکم گردد.
تحقق نظام دمکراسی در هر جامعه ای احتیاج به یکسری پیش فرضهای سیاسی ، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد.

۹ ــ امر تکثر و پلوالیسم سیاسی بعنوان یک ارزش اساسی نظام دمکراسی و مردم سالار پذیرفته شده است و بر پایه این ارزش، تمام احزاب ، سازمانها و جبهه هائیکه نظرات و عقاید و ایدئولوژیهای متفاوت و متضاد را نمایندگی می کنند ، بطور آزاد و بدون هیچگونه محدودیتی از حق فعالیت سیاسی و تبلیغ و ترویج نظرات و عقاید خود برخوردارند. در این نظام هیچ جریان و یا شخصیت سیاسی بشرط اینکه به اصل دمکراسی و محترم شمردن حقوق بشر پایبند باشد و در مبارزه سیاسی متوسل به خشونت نگردد و با بکار گرفتن قهر و ترور مخالف باشد، از حق فعالیت سیاسی محروم نمی شود.
آزادی عقیده ، بیان و قلم و در حقیقت ، تمام حقوق شهروندی در نظام دمکراسی محترم شمرده می شوند.

۱۰ ــ وسائل ارتباط جمعی تحت انحصار دولت قرار ندارد . دولت حق سانسور اخبار و گزارش رویدادهای داخلی و جهانی و تفسیر آنها را ندارد.
خبرگذاریها ، روزنامه نگاران و خبرنگاران می توانند بطور مستقل ، آزاد و بیطرفانه به پخش خبر رویدادها و اتفاقات جهان بپردازند.
خبر نگاران ، روزنامه نگاران و اهل قلم وسیاست می توانند بدون هیچگونه سانسور و محدودیتی به تفسیر وقایع سیاسی ــ اجتماعی ، اقتصادی ... بپردازند و حتی عملکرد و سیاست دولت و حاکمین و احزاب سیاسی را بنقد بکشند و علیه آن به افشاگری بپردازند و علناً با آن مخالفت کنند.
چاپ و انتشار روزنامه ، مجله ، کتاب .. بدون هیچگونه سانسور و محدودیتی آزاد می باشد.

۱۱ ــ تبلیغ و توجیح جنایت علیه بشریت ،که خود بخود در تضاد با روابط و ضوابط نظام دمکراسی قرار دارد ، در جوامع دمکراتیک، غیر قانونی اعلام شده است .

۱۲ ــ هر فردی از ملت که به سن قانونی حق شرکت در "انتخابات " رسیده باشد ، می تواند قانوناً بدون هیچگونه محدودیتی از حق معرفی نامزد های انتخاباتی مورد اعتماد خود برای نمایندگی مجلس ملی ، ایالتی و شهری ... برخوردار باشد. هیچ نهاد دولتی و یا مرجع و نهاد مذهبی حق ندارد و نمی تواند بر پایه معیار مذهبی و یا حزبی، از کاندید شدن فردی بخاطر نظرات و عقاید سیاسی و مذهبی اش جلوگیری کند.
در جوامعیکه نظام دمکراسی حاکم است ، اکثریت قریب به اتفاق کاندیدا از سوی احزاب و سازمان های سیاسی معرفی می شوند . احزاب و سازمانهای سیاسی نیر، لیست کاندیدهای خود را در کنگره هائی که بدینمنظور برگزار می کنند از طریق انتخابات درون حزبی ، تعیین می کنند. هیچگونه

انتصابی در تعیین کاندیداهای حزبی و سازمانی وجود ندارد و هیچ ارگان و یا مقام دولتی و یا مذهبی حق دخالت و یا حق وتو در این امر مشخص را نمی تواند داشته باشد و ندارد.

۱۳ ــ در نظام دمکراسی و " جامعه باز " در بین فعالین و نیروها و تشکلات سیاسی دمکرات و آزادیخواه ، مقوله ی "دشمن سیاسی " وجود ندارد . این مقوله مختص جوامع استبدادی و دیکتاتوری و در حقیقت " جامعه بسته " می باشد ، که در طول زمان و روند دمکراتیزه شدن جامعه ، جای خود را به مقوله " رقابت سیاسی " داده است .
احزاب و سازمانهای سیاسی ، بجای دشمنی و توسل بقهر و خشونت و طرد نیروهای مخالف و نفی فیزیکی ، حقوق سیاسی و حق فعالیت دگر اندیش را برسمیت شناخته و با ارائه برنامه سیاسی و تبلیغ در باره اهداف خود ، بطور مسالمت آمیز با همدیگر به رقابت می پردازند و کوشش می نمایند تا نظر شهروندان را نسبت به اهداف ، برنامه و سیاست و حتی شخصیت نامزدهای انتخاباتی لیست خود جلب نمایند و از رأی آنها در انتخابات نمایندگان مجلس ملی ، مجلس ایالتی و یا شورای شهر... بهرمند شوند.

۱۴ ــ تغییر دولت از طریق رأی مردم و انتخابات بصورت مسالمت آمیز صورت می گیرد.
در جوامع دمکراتیک سرچشمه قدرت دولت از ملت است.

۱۵ ــ جدائی دین از دولت وحکومت و تضمین استقلال دستگاههای دولتی از تأثیر و نفوذ هرگونه ایدئولوژی و مکتب بعنوان یکی از ارزش های نظام دمکراسی و مردم سالار در آمده است .

جدائی دین از دولت و حکومت در نظام دمکراسی، سبب شده است تا به این نوع جوامع ، جوامع غیر مذهبی و نه ضد مذهب (لائیک) اطلاق شود. این جدائی و در حقیقت غیردینی شدن دولت و حکومت بهیچوجه بمعنی دشمنی و خصومت با هیچ یک از ادیان و مذاهب نیست، بلکه این امر در خدمت احترام به عقاید و باورهای مذهبی هر یک از شهروندان و همچنین احترام به تفاهم ملی می باشد. در این نوع جوامع قوانین بر پایه مدنیت و اعلامیه جهانی حقوق بشر تنظیم می شوند.
هیچ شهروندی نمی تواند تحت لوای مذهب و یا هر آئین و ایدئولوژی از حقوق ویژه و یا مصونیت سیاسی و قانونی برخوردار باشد و یا حقوق شهروندی او نقض گردد.

در نظام دمکراسی و مردم سالار ، دین رسمی وجود ندارد.

۱۶ ــ اگر فردی از هیئت حاکمه متهم به عملکردی بر خلاف قانون اساسی و قوانین موجود شود ، همچون دیگر شهروندان جامعه ، طبق قانون تحت پیگرد قانونی قرار می گیرد. اما اگر فرد متهم بخاطر مقام حکومتی اش از مصونیت قانونی برخوردار باشد ، تا زمانیکه مصونیت قانونی وی بحالت تعلیق در نیاید ، فرد مزبور بازداشت و محاکمه نخواهد شد ، در حالیکه مدعی العموم حق تحقیق و بررسی و تکمیل کردن پرونده وی را دارد.

۱۷ ــ در جوامعی که نظام دمکراسی حاکم است ، هر یک از نمایندگان منتخب مردم در مجلس ملی و یا مجلس ایالتی زمانی می تواند بازداشت و یا محاکمه گردد ، بشرط اینکه هیئت رئیسه مجلس قانونگذاری از سوی مقامات قضائی و مدعی العموم در رابطه با چگونگی امر تخلف و اتهامات وارده نسبت به نماینده مورد اتهام در جریان قرار گرفته و اکثریت نمایندگان مجلس با تعلیق مصونیت پارلمانی فرد مزبور در جلسه رسمی مجلس موافقت کرده باشند.

۱۸ ــ دستگاه قضائی در مقابل دولت و ایدئولوژیهای مذهبی و غیر مذهبی مستقل می باشد.
" قاضی " حق ندارد بر پایه مواضع سیاسی قضاوت کند ، بلکه قضاوت باید بر معیار قانون و روابط حقوقی باشد.

۱۹ ــ هر فردی که در رابطه با سوء ظن ارتکاب جرمی ، موقتاً بازداشت می شود ، باید حداکثر روز بعد از توقیف به پیشگاه دادگاه برده شود و قاضی باید دلیل بازداشت و موارد اتهام را باو ابلاغ کند و از او بازپرسی کند و باو فرصت دفاع از خود را بدهد.

۲۰ ــ هیچ فردی را نمی توان از حق برخورداری از قضاوت قاضی قانونی و استفاده از وکیل مدافع محروم ساخت.

۲۱ ــ هیچ فردی را قانوناً نمی توان تحت شکنجه جسمی و روانی قرار داد. "قانون اعدام "در بسیاری از جوامع دمکراتیک لغو شده است. در جوامعیکه (از جمله ایالات متحده آمریکا) " قانون اعدام " هنوز لغو نشده است ، روشنگری و مبارزه سیاسی بخاطر لغو آن ادامه دارد.

۲۲ ــ تشکیل دادگاه های فوق العاده و یا دادگاه های ویژه ممنوع می باشد .

۲۳ ــ نهاد قضائی بنام " دیوان قانون اساسی " وجود دارد که وظیفه اش حفاظت کردن از قانون اساسی می باشد .

و ...

با توضیحاتی که رفت دقیقاً روشن شد که ما سوسیالیستهای ایران ، وجود " نظام دمکراسی ومردم سالاری " در هر کشوری از کره زمین را ، صرف نظر از اینکه مردم این جوامع دارای چه دینی باشند (مسیحی ، یهودی ، اسلام ، بودائی ...) ، در گروی محترم شمردن یکسری حقوق شهروندی و متحقق شدن یکسری روابط و ضوابط دمکراتیک در جامعه می دانیم.

ضروریست متذکر شد ، اگر زمانی تمام اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی بمرحله اجرا در آید ، و هیچ مقام و نهادی در جمهوری اسلامی ایران قانون شکنی نکند و برای خود " حقوق فراقانونی " قائل نشود، در چنین حالتی می توان بیان داشت که " حاکمیت قانون " بر ایران حاکم شده است.

اتفاقاً آقای خاتمی و اکثر نیروهای مذهبی و ملی ـ مذهبی منتسب به " اصلاح طلب " و " جبهه دوم خردادی" علیه قانون شکنی و برای تحقق " حاکمیت قانون " مبارزه می کنند. امری که بسیار مفید می باشد و مورد تائید ما نیز هست ، ولی چون موضوع بحث این نوشته در این رابطه مشخص نیست ، از توضیح بیشتر در اینمورد صرفنظر می کنم.

اما گمان دارم اشکال آقایان سید محمد خاتمی ، دکتر یزدی و دیگر اصلاح طلبان طرفدار " مردم سالاری دینی " ، در این امر نهفته است که انها " حاکمیت قانون " را همیشه و در هر حالتی مساوی و برابر با " مردم سالاری " تلقی می کنند ، بدون اینکه به محتوی " قانون " و بار سیاسی " ارزش" ها و " ضد ارزش " های تشکیل دهنده آن توجه نمایند؟

اگر قبول داشته باشیم که تحقق " حاکمیت قانون " در جوامع استبدادی بمعنی پایان دادن به استبداد است. همچنین باید قبول کنیم که هر " حاکمیت قانون " خود بخود بمعنی تحقق " نظام مردم سالاری " نیست . در حقیقت دست یابی به " نظام مردم سالاری " بستگی به چگونگی محتوی قانون اساسی وبار سیاسی ارزشهای تشکیل دهنده آن دارد. نباید از خاطر بدورداشت که " نظام دیکتاتوری" هم بر پایه " قانون" اداره می شود ، اما قوانینی که محتوی بخشی از آنها " غیر دمکراتیک " می باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ، بهترین نمونه یک قانون اساسی "غیر دمکراتیک " می باشد.

بنظر من اشتباه می باشد که ، برقراری " حاکمیت قانون اساسی جمهوری اسلامی " در ایران را مساوی با تحقق " نظام دمکراسی و مردم سالاری " در ایران فرض کرد .
نباید از خاطر بدور داشت که محتوی بسیاری از اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی بر پایه اصول " دمکراتیک " تنظیم و تدوین نشده اند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی همچون قانون اساسی دوران مشروطیت ، " معیار " سنجش " حقوق " ایرانیان و قضاوت در باره حدود و چارچوب آنرا ، دستور العمل های " شریعت اسلام " و نظرات و عقاید " فقها " و " مجتهدین " مذهب شیعه تعیین کرده اند و نه همچون جوامع دمکراتیک و مردم سالار ،"انسان " بودن و محترم شمردن" اصل فردیت"!

ادامه دارد

دکتر منصور بیات زاده

۳ شهریور ۱۳۸۲

socialistha@ois-iran.com
www.ois-iran.com